

مکتب بر اصول منتقدانه کشف واقعات تاریخی و تهیه گزارش آن

فهمیم کوشا

پوهاند، تاریخ، تعلیم و تربیه، پوهنتون جوزجان، شبرغان افغانستان (نویسنده مسئول).

Fahimkosha171@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۳۱ - تاریخ نشر: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

نخست از همه این را باید پذیرفت و تبیین نمود، که هیچ یک از مسایل تاریخی بدون دقت، کنج کاوی، تجسس، تعقل و روش‌های علمی منظم و مرتباً در اختیار مؤلف و سایرین قرار نخواهند گرفت؛ زیرا هر یک از نویسنده‌گان معظم بدون رعایت اصول‌های علمی تحقیقاتی که از طریق نقد و بررسی، تحلیل و مناقشه، بحث و تفکر، تعمق و تدبر جهت کشف واقعات تاریخی، تهیه گزارش سالم و علمی هر یک از داده‌های تاریخی مؤفق به‌در نخواهند آمد. بدین اساس موضوع علمی-تحقیقی هذا تحت عنوان: «مکتب بر اصول منتقدانه کشف واقعات تاریخی و تهیه گزارش آن» جهت شناخت و اصالت واقعات تاریخی با در نظر داشت اصول نقد و بررسی و در نهایت تحلیل راجع به طرز تهیه گزارش مواد تحقیقی مورد نظر از طریق تحقیق کتابخانه‌یی و نوین پژوهش برای شناخت بهتر واقعات تاریخی در روند کشف واقعات، دقت کامل بخشیده و بعد از تحلیل و تدقیق به تحریر آن مبادرت ورزیده‌ایم. هم‌چنان باید تذکر داد که هدف اصلی تحقیق این نبسته‌ی علمی-تحقیقی را شناخت روش‌های نقد و بررسی، شیوه‌های کشف واقعات تاریخی و چه‌گونه‌گی تهیه و نگارش مطالب به‌دست آمده، تشکیل می‌دهد؛ اما با استفاده از روش تحقیق این فعالیت علمی کوشش به‌خرج داده شد؛ تا طبق روش کتابخانه‌یی تا حد توان تجسس به‌خرج داده شود؛ تا از طریق روش‌های نقدی و تهیه گزارش متون تاریخی با کمک روش‌های نوین یعنی با در نظر داشت نقد و بررسی، تحلیل متون تاریخی، مناقشه، مباحثه و مشوره‌های سودمند با اساتید صاحب‌نظر و امثال آن‌ها با شیوه‌های عصری تحقیق، مخصوصاً با در نظر داشت پالایش داده‌ها (فشرده‌سازی اطلاعات) به‌طور موجز و عام فهم اقدامات علمی و عملی صورت گیرد. چنان‌چه گوشه‌ی از یافته‌های تحقیق هذا آشنایی و معرفت با اصول منتقدانه کشف واقعات تاریخی و تهیه گزارش متون آن‌ها را در بر می‌گیرد؛ زیرا با وثوق کامل و منطق علمی می‌توان اظهار نمود، که در اثر نگارش هم‌چون مقاله که هم‌اکنون در دست‌رس شما قرار دارد، راه جدیدی را برای اثبات اصالت و اعتبار مسایل و داده‌های تاریخی دریافت و مستفاد خواهند شد. البته نتیجه‌ی نهایی که از این تحقیق به‌دست آمده‌است؛ واقف نمودن آن‌عده از محققان و شایقین علم تاریخ می‌باشد، که با در نظر داشت مطالب و داده‌های تحلیلی این نبسته‌ی علمی-تحقیقی به اسرع وقت خود را برای شناخت واقعات مجهول و معلوم تاریخ آراسته و به‌دانش و اندیشه‌های قبلی خویش مطالب سودمند و تفکربرانگیز را افزود خواهند نمود.

کلید واژه‌ها: تحقیق، محقق، مؤلف، نقد و بررسی، واقعات تاریخی

استناد: کوشا، فهمیم (۱۴۰۳). مکتب بر اصول منتقدانه کشف واقعات تاریخی و تهیه گزارش آن. مجله علمی-تحقیقی مؤسسه تحصیلات عالی غور، سال اول، شماره ۱، صفحه ۱۰۵-۱۲۵.

Emphasis on the Critical Principles of Discovering Historical Events and Preparing Their Reports

Fahimkosha

Professor, History, Education, Jawzjan University, Shabarghan, Afghanistan,
(Corresponding Author) Fahimkosha171@gmail.com

Received: 20/06/2024 | Accepted: 21/09/2024 | Published: 28/6/2025

Abstract

First of all, it should be accepted and explained that none of the historical issues are impure, and scientific research and methods will not be available to the author and others regularly. Scientific research that can be realized through criticism and review, analysis and negotiation, discussion and thinking, analysis and administration. In order to discover historical events and prepare a sound and scientific report, any historical data will not be successful. Accordingly, this scientific research subject under the title of influence on the critical principles of discovering historical events and preparing its report in order to know the real historical events, keeping in mind the principles of criticism and review and finally analyzing the way of preparing the report of the desired research materials through library research. In order to better understand the historical events, we have taken full care in the process of discovering the events, we are analyzing, verifying and writing them. It should also be noted that the purpose of our research is to know the methods of investigating the methods of discovering historical events and how prepared and wrote the obtained materials. Similarly, in this section, it is necessary to ask questions such as: Can historical criticism be reliable for the facts? Are there principles about historical criticism? We face that these are questions. It occupies the mind of every researcher and historical critic. In the context of the research and its notes, we have provided acceptable and authentic answers. Similarly, in the importance of the research, we can express the following opinion: familiarity and knowledge with the principles of critics, discovering historical events and preparing a summary of their texts in one of the researcher and, dear reader to get the most real historical issues as soon as possible and avoid the accusations of historical seeds that will be saved by a number of unprofessional researchers. For this reason, we can state with full and scientific confidence that as a result of writing, like the article that is now available, a new way to proof of authenticity and validity of historical issues and data will be received and documented.

Keywords: research, researcher, author, criticism and review, historical events.

Cite this article: Kosha, F. (2025). Emphasis on the critical principles of discovering historical events and preparing their reports. *Scientific-Research Journal of Ghor Institute of Higher Education, 1* (1), 105-125.

مقدمه

اول تر از همه باید اذعان و تصریح نمود، که انسان موجودی است متجسس، محقق، پرسش گر، اندیشه ورز، تحول پذیر و در نهایت تحلیل با تفکر نقادانه اش در طول تاریخ موجب پدید آمدن انبوهی از آثار فکری، فرهنگی، تاریخی، تکنالوژیکی و امثال آن ها گردیده و به وسعت و گوناگونی اسطوره ها، داستان ها، هنرها، افسانه ها، تواریخ منتشره، پیام های علمی، اندیشه های عالی، آموزه های دینی، اخلاقی، حقوقی، واقعه های تفکربرانگیز از ابزار و ادوات زنده گی شروع تا نمادها و معانی آن ها همه و همه شامل دست آوردهای پرسشی آن می باشند؛ تحکیم بخشیده است. از جانب دیگر روحیه یی که بی تردید معطوف به بهبود امور است، هرگز اجازه نمی دهد؛ تا انسان به وضع موجود اقناع و یا ایستایی را برای خود انتخاب و قبول نماید. بدین اساس او می کوشد؛ تا از هر ثانیه زمان را به نفع خویشتن استفاده و برای بقای نسل و به زیستی خویش با سعی و تلاش نقادانه اش ره سعادت را به سوی ترقی و شکوفایی هموار نماید.

این چنین نتایج به دست آمده، از این نبشته ی علمی-تحقیقی راجع به معرفی و کاربرد اصول منتقدانه کشف واقعات تاریخی و طرزهای آماده سازی و جمع آوری گزارش متون آن ها که از طریق تجسّسات و تحقیقات موشگافانه بعد از غور و بررسی، تعقل و تدبیر، تفکر و تعمق، نقد و بررسی به دست می آیند، را تشکیل می دهد؛ تا باشد محققان کارآزموده و تحلیل گران تیزهوش با گره گشایی های گسترده، از طریق اصول نقادانه کشف واقعات تاریخی و تهیه گزارش متون تحقیقی که در ذات خویش معرف انبوهی از معلومات تاریخی می باشند؛ مسیر مؤفقیّت را به جانب قله های جهان بینی و ترقی تفکربرانگیز هموار خواهند نمود.

بنابر آن در بخش پیشینه ی تحقیق لازم دیده شد؛ تا کتب پژوهشی یی که از جانب پژوهش گران داخلی و خارجی که ربط مستقیم با مواد مقاله هذا دارند، را مورد مطالعه قرار داده، راجع به رابطه ی آن ها می توان چنین اظهار نظر کرد: «طوری که دیده شد، اکثر نویسندگان معظم کتب مورد استفاده ی ما، با در نظر داشت روش توصیفی و عده از آن ها راجع به اصول منقدانه ی کشف واقعات تاریخی و بعضاً راجع به تهیه ی گزارش تحقیق به طور مشرح ایراد سخن نموده اند.

بدین ملحوظ می‌توان از محققان خارجی منجمله برسلر، چارلز مؤلف کتاب «درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی» که مترجم آن مصطفی عابدینی فرد، می‌باشد یادآور شد که اوشان در رابطه به مسایلی ادبی بیش‌تر با نقدهای جامع پرداخته و راجع به مسایل تاریخی که دایره رشته ما را تشکیل می‌دهد، کم‌تر پرداخته و فقط در اکثر اوراق کتاب خویش تحت عناوین کوچک به‌طور اجمال اکثر مسایل تاریخی را به‌شکل نقدگونه تجسم نموده‌است. بدین‌سان می‌توان ابراز کرد، که کتب اکثر مؤلفان معزز که در دسترس ما قرار گرفته‌اند؛ به‌وضاحت دیده می‌شوند، که ایشان نیز راجع به اصول منتقدانه کشف واقعیات تاریخی و تهیه گزارش متون تاریخی در شکل اجمال به توضیح، تشریح، نقد و بررسی داده‌ها (اطلاعات) -ی تاریخی مبادرت ورزیده‌اند.

همین‌طور سؤالات تحقیق را می‌توان چنین مطرح کرد: آیا نقد تاریخی اطمینان‌بخش واقعیت‌ها شده می‌تواند؟ آیا اصولی در باب نقد تاریخی وجود دارد؟ رو به‌رو می‌شویم، که این‌ها پرسش‌های هستند ذهن هر محقق و ناقد تاریخی را به‌خود مشغول و به‌جانب جهان‌اندیشی و جهان‌بینی علمی سوق می‌دهد. بنابر آن، در متون بدنه تحقیق و یافته‌های آن، جوابات قابل قبول و مقنع را ارائه نموده‌ایم؛ تا باشد اندیشه‌های علمی -تحقیقی خویش را به‌طور واقعی‌اش انعکاس دهیم.

روش تحقیق

از حیث ارتباط رشته و مسلک راجع به گستره تحقیق، ما به‌این نکته معتقدیم و سخت باورمند، که هیچ تحقیقی و یا هیچ مسیری از مسیرهای زنده‌گانی خلق‌های جهان؛ مخصوصاً اثبات دنیای بیکران اطلاعات تاریخی بدون روش‌های علمی -تحقیقی که آن‌هم با در نظرداشت روش‌های منتقدانه مورد بررسی و تدبیر قرار نگیرند؛ درست از آب به‌در نخواهد شد. بدین‌اساس در تحریر مواد مقاله‌ی هذا جهت بهبودی و کیفیت کار پژوهشی، موارد زیرین منحصراً مواد و روش تحقیق مد نظر گرفته شد:

- در روند تحقیق مطابق مواد تحقیقی لازم دیده شد؛ تا از روش‌های مؤثر تحقیق کتاب‌خانه‌یی از کتاب‌های با ارزش و مواد ممد معتبر داخلی و خارجی استفاده اعظمی صورت گیرد.

- تعقل و تدبر در عرصه‌ی تحول‌پذیری دانش بشر در عصر حاضر و اعصار بعدینه بر اساس تحلیل داده‌های تاریخی با استفاده از روش‌های منتقدانه نوین با طرزهای نقدوبررسی، تحلیل و تجزیه برای اثبات انبوهی از مسایل تاریخی مورد نظر؛
- بررسی و نقد متون نگارشی تاریخی با در نظر داشت منابع مؤثق و مآخذ نامؤثق؛
- اثبات مسایل تاریخ رویدادی و تاریخ تحلیلی بر اساس اسناد، شواهد، مدارک، اصالت و اعتبار واقعه‌ها.

آغاز سخن

آشنایی با اصول منتقدانه کشف واقعات تاریخی

طوری‌که برای تماماً اهل دانش و مسلک، راجع به واقعات تاریخی بشر، بهتر معلوم است، که مطالعه و کشف آنان بدون رعایت اصول تحقیق مخصوصاً روش‌های منتقدانه به‌طور علمی و شایسته، دور از امکان بوده می‌تواند. بنابراین، نخست باید دانست که نقد از نوعی طلب، شناخت، ارزیابی و سنجش، سرچشمه می‌گیرد که به باروری و زاینده‌گی انبوهی از مطالب موردنظر می‌انجامد. از جانب دیگر نقد هم‌واره نوعی به‌چالش کشیدن و تعرض فکری به‌آراء یا یافته‌های علمی شخص یا گروهی خاص است که از همین‌رو دائماً نیازمند آماده‌گی و رویارویی است؛ زیرا منتقد با نشر آرای انتقادی خود، دیگران را مستقیماً و آشکارا به‌چالش فکری دعوت می‌کند و در عین حال خود نیز پیشاپیش به‌میدان چالشی قدم نهاده و ممکن است مغلوب یا غالب باشد(دانکن، ۱۹۸۶، ص. ۵۵).

شایان یادآوری و اعتراف می‌باشد، که بیش‌تر از محققان علم تاریخ در عصر حاضر در حوزه نقد تاریخی و ادبیات آن دچار ضعف مفرد و بیمارگون می‌باشند؛ زیرا اکثر محققان حاضر با هیچ یک از اصول و موازین نقد، شناخت الگو و معیارهای معین‌کننده که برای شناخت واقعی وقایع تاریخی در عرصه نقادانه ضرور و مهم پنداشته می‌شوند؛ آشنایی کامل ندارند(دهقانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۵).

بنابراین محققان برجسته و مؤفق سزاوار مساعد ساختن چشم‌اندازهای هستند، که برای تحکیم و تطبیق نقد مؤثر واقع می‌شوند؛ البته آنان جهت نقد شق‌ها و نوع‌ها برشمرده شده‌اند؛ زیرا با رشد روز افزون فنون و توسعه‌ی علوم، دامنه‌ی نقدها نیز گسترده‌تر می‌شود. بنابراین، در این جا لازم دیده شد؛ تا عمده‌ترین نقدها را تذکر و تنها به معرفی روش نقد تاریخی اکتفا نماییم:

روش نقد تاریخی، روش نقد اخلاقی، روش نقد اجتماعی، روش نقد روان‌شناسی، روش نقد تطبیقی، روش نقد نظری، روش نقد علمی یا کاربردی و امثال آن‌ها را می‌توان نام گرفت.

۱. روش نقد تاریخی: این نوع نقد به دو عنصر یعنی نقد بیرونی (نظری یا تئوری) و نقد درونی (تحلیل و تجزیه) تقسیم می‌شود، که موضوع و محور مباحث آن شامل تمام سطوح تحقیق تواریخ گردیده و با روش‌های اختصاصی که مبین اثباتی دارند؛ بررسی می‌شوند.

۲. نقد بیرونی (نظری یا تئوری): نقدی است که هر گونه متن تاریخی را بر مبنای روابط بیرونی و تأثیراتی که از عوامل خارجی پذیرفته است؛ مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. البته در این گونه نقد روابط متن‌های تاریخی با تولید کننده‌ی متن، از حیث زمان، مکان، سیر، تحول، محیط، تاریخ، جامعه و فرهنگ بررسی و تحلیل می‌شود؛ اما عناصر درونی متن در پرتو تأثیراتی که از عناصر بیرونی دریافت و روابطی که با آن دارد در کانون توجه قرار می‌گیرد. بدین اساس به تعبیر دیگر نقد بیرونی، معطوف به ارزش‌یابی ماهیت متن است (دانکن، ۱۹۸۶، ص. ۶۷).

عناصر بیرونی نقد قرار ذیل‌اند:

الف: ۱. اصالت متن؛ ۲. مؤلف یا تولید کننده؛ ۳. برنامه‌ی تحقیقی یا گفت‌مان تحقیقی؛ ۴. انتشارات؛ ۵. خواننده؛ ۶. ناقد می‌باشد.

۱. اصالت متن: قابل اذعان و تصریح می‌دانیم که کار مهم منتقد تاریخی در درجه‌ی نخست احراز اصالت متن است که باید با رعایت دقیق اصول نقد صحت اصالت متن را مشخص نماید. البته منتقد در این مسیر باید از تجارب علمی و مطالعات دیگران، خود و آثار موازی همانند کتاب و هم‌چنین از علوم کمکی تاریخ بهره بگیرد. منتقد باید به‌علوم‌ی چون نسخه‌شناسی، مهرشناسی، خط‌شناسی و امثال آن‌ها واقف باشد یا دست کم از آگاهان این رشته‌ها کمک بگیرد؛ زیرا در

ساحه‌ی تاریخ اسناد و متون مجهول بسیاراند، که در تاریخ‌نویسی سبب ایجاد و اشاعه‌ی سوء تفاهم و خطاهای بیش‌تری شده است. به‌طور مثال: می‌توان به‌وصیت‌نامه‌ی «پیتر کبیر» یا هبه‌نامه‌ی «کنستانتین»^۵ (وصیت‌نامه) اشاره کرد که روزگاری چون سند اصیل در نظر مؤرخان جلوه‌گر بود؛ اما امروزه با دلایل مؤثق جعلی بودن آن رونما گردیده است. در نتیجه فهمیده شد که پس از بررسی اصالت متون می‌توان از طبقه‌بندی، توجیه و تفسیر آن‌ها درک درست و فایده‌ی خوب به‌دست آورد (برسler، ۱۳۸۶، ص. ۲۹).

شایان یادآوری می‌دانم، که پیشینه‌ی نقد تاریخی را معمولاً می‌توان مانند سایر علوم به‌یونان باستان و آثار مؤرخان آن روزگار مانند هرودت مشاهده کرد. همین‌طور آثار خاک آریانای کبیر، خراسان پیشین بعد از انتشار دین مبین اسلام در زمان خلیفه سوم اسلام حضرت عثمان «رض» مکتب‌های تحقیقاتی فراوانی مانند: «مکتب بلخی» که اساس‌گذار آن ابوزید بن سهیل بلخی می‌باشد؛ با روش‌های نقادانه‌ی خویش برای اثبات وقایع تاریخی تحت شعاع آیت و حدیث جدوجهد فراوان نموده است؛ زیرا در این مکتب نگاه انتقادی به‌متون و تصحیح پاره‌ی از اشتباهات پیشین نیز در کانون توجه مسلمانان بوده که ضرورت پردازش منتقدانه به‌نبشته‌ها و آرای مؤرخان گذشته را فراهم آورده است (همان اثر، ۱۳۸۶، ص. ۱۹).

۲. مؤلف یا تولیدکننده: برای این که بتوان در باره‌ی برخی برداشت‌ها و باورهای مطرح شده در متن، با دقت بیش‌تری اظهار نظر نمایم؛ در آن صورت باید تصویری از شخصیت نویسنده داشته باشیم؛ تا بتوانیم پرسش‌هایی را که در باره‌ی مؤلف مطرح می‌شود؛ پاسخ بگوییم. البته پرسش‌هایی از این قبیل: «آیا متن حقیقتاً متعلق به‌مؤلف است و صحت انتساب آن تا چه حد دخیل است؟»؛ چرا که متونی در تاریخ کم نیستند در صحت نام مؤلف آن تردید نه‌نماییم. به‌طور مثال: «میرزا محمد خان قزوینی در رد انتساب المآثر والاثار به‌اعتمادالسلطنه چنین می‌نویسد: «اعتمادالسلطنه به‌زور و تهدید فضایی را که در جزء ادّار، دارالتألیف یا دارالترجمه بودند، وادار می‌کرد کتاب‌هایی

^۵. اگر بخواهیم از آغازین زمان نقد تاریخی به‌مفهوم امروزی آن یادآوری نمایم؛ کسی نیست به‌جز لورنس والا (۱۴۵۷-۱۴۰۵) نویسنده ایتالیایی که در سال ۱۴۴۰ م دروغین بودن ادعای هبه‌نامه‌ی کنستانتین را برملا کرده باشد؛ زیرا چیزی که پاپ‌ها بر استناد به‌آن ادعا می‌کردند که کنستانتین روم را به کلیسای کاتولیک هبه (بخشش و یا انعام) کرده و خود به قسطنطنیه رفته است.

که خود او موضوع آن‌ها را اقتراح (بر می‌گزید)؛ تألیف نمایند و بعد خود او آن‌ها را به اسم خود طبع و نشر و امضاء می‌نمود؛ زیرا کتاب المآثر و الآثار از ب بسم الله تا خ ختم از همه نوشته‌های آن از آثار قلمی صاحب ترجمه، شمس العلماست... از جانب دیگر فهمیده شود، که نیت و هدف مؤلف از تولید متن چه بوده است و چه غایتی را در پهنه ذهن‌اش برای تولید این متن جست‌وجو می‌کرده است؟ آیا هدف مادی بوده، شهرت طلبی یا کمک به پیش‌برد علم؟ آیا به لحاظ علمی صلاحیت تولید این متن را داشته است؟ آثار مؤلف گرایش‌های سیاسی-اجتماعی دارد؟؛ زیرا این همه گرایش‌ها در اکثر مؤلفان دیده شده، که در ذات خویش به اصالت و اعتبار مطالب تاریخی صدمه رسانیده‌اند (همان اثر، ۱۳۸۶، ص. ۲۳).

۳. برنامه‌ی تحقیقی یا گفت‌مان تحقیقی: یعنی متن کتاب‌های تاریخی در چه فضای گفت‌مانی و تحت عنوان چه برنامه‌ی تحقیقی (فضای حاکم بر تحقیق) پدید آمده است؛ فضایی که ممکن است تحقیق در همه‌ی موارد، تحت تأثیر آن باشد و با تغییر گفت‌مان فضای آن هم عوض شود؛ زیرا اصولاً متن و اثر مولود سازمان و ساختار جامعه است، که برای شناخت و نقد آن باید ساختار را شناخت؛ چرا که هر نقدی می‌کوشد بین نویسنده‌ی متن و محیط فکری و مادی وی، رابطه‌ی بیابد و با استفاده از اصل علیت و فرایند اثر پذیری از آن‌ها در امر نقد بهره بگیرد. از این نظر باید بر شرایط زمانی و مکانی تولید یک متن یا پیام تأکید کرد، که آن را اصطلاحاً «تاریخیت اثر» می‌گویند و بر مبنای آن هر متن و نظریه ریشه در خاک و لحظه‌های معینی از تاریخ را داشته و با جنبه‌های دیگر حیات اجتماعی و فرهنگی آن لحظه در توازن و تفاهم است.

۴. انتشارات: سیستم و نظام که اثر را منتشر کرده است؛ در ارزیابی ما در باره‌ی اثر جایگاهی خاص دارد؛ زیرا تعیین نوع انتشارات بسیار مهم است؛ یعنی آیا حقوقی است؟ سیاسی است؟ دولتی و یا نیمه دولتی؟ وابسته به چه نهاد یا گروه سیاسی-فکری و بعضاً حزبی است؟ هدف از نشر آن چه بوده است؟؛ زیرا هیچ انتشاراتی نمی‌پذیرد که اثری به زیان او منتشر شود؛ شاید بهترین مثال در این خصوص کتاب‌های است که در قرن نوزدهم تحت تأثیر فضای استعماری در بمبئی و کلکته هند منتشر می‌شدند.

۵. خواننده: منظور آن است که این متن یا اثر برای چه کسی نوشته شده است و چه طیفی از خواننده‌گان را در بر می‌گیرد؟ آیا برای طیف طرف‌دار یا مخالف نوشته شده یا برای مخاطبان

حزبی و گروهی یا برای قشر فرهیخته و نخبه یا این که عموم مردم را مخاطب قرار داده است؟؛ برای مثال: سیاست‌نامه خواجه نظام الملک طوسی یا اخلاق امینی روزبهان خنجی برای طیف طبقه میان خواننده و متن یک‌جانبه نیست؛ بلکه تبادلی است؛ یعنی فرایند یا واقعه است که در زمان و مکان خاص که متن و خواننده در یک‌دیگر اثر می‌گذارند؛ رخ می‌دهد. همین‌طور از ره‌گذر تبادل و تعامل خواننده و متن است که معنا خلق می‌شود؛ زیرا معنا در تعامل دو جانبه خواننده و متن نهفته است. به همین علت، طیف‌شناسی خواننده‌گان از عناصر مهم در نقد بیرونی محسوب می‌شود (برسler، ۱۳۸۶، ص.ص. ۲۲-۲۳).

۶. ناقد: «ناقد کسی است، که قبل از همه بالای خود نقد کند. بدین اساس ناقد با حطه که نقد می‌کند، مانند پیشینه، ادبیات، اصطلاحات، اصول و مبادی آن مباحث آشنا باشد؛ تا نقدی روش‌مند از موضوع ارایه نماید. همین‌طور ناقد با زبان اثر، انگیزه قوی، ذوق سلیم، ذهن کاوش‌گری، اندیشه مثبت، از قدرت تحلیل و استنتاج بالایی برخوردار باشد.

بنابراین ناقد نباید ادراک خویش را مبنای نقد قرار دهد و اندیشه خود را مبنای داوری؛ بلکه باید به‌بوتة اصول مبرهن و روشن بسپارد و رأی و نظر خود را هر زمان در معرض داوری خواننده‌گان قرار دهد و بپذیرد که نقد دارای دو جهت یعنی حمله و دفاع است؛ حمله به نقاط ضعف و دفاع از نقاط قوت؛ چه در حمله و چه در دفاع، وجدان علمی و وجدان انسانی باید حاکم باشد و قلم شخصیت در ورای غیر علمی حرکت نکند. بدین اساس هر امری را باید با دلیل پذیرفت یا رد کرد؛ هر چند ممکن است برای دیگران مکدر کننده باشد؛ اما وجدان ناقد اقتضایی جزء حقیقت‌گویی ندارد (مایل، ۱۳۸۰، ص. ۳۸).

همین‌طور عناصر درونی نقد از این قبیل می‌باشند:

۱. موضوع؛ ۲. سابقه تحقیق؛ ۳. محتوا؛ ۴. ادبیات نگارش می‌باشند، که هر یک را به‌طور

مشرح قرار آتی مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌دهیم:

۱. موضوع: می‌توان آن را پرسش بزرگ یا گزاره بزرگ نامید که قصد داریم آن را نقد کنیم.

آیا موضوع اثر از موضوعیت کافی برخوردار است؟ جامع و مانع است؟ واژه‌گان آن بار ارزشی-ایدیالوژیکی دارد؟ یا واژگان خنثی است؟ آیا از اصطلاحات بیگانه استفاده کرده است؟ این‌ها

پرسش‌های است که از موضوع و گزاره بزرگ باید پرسید. قابل تذکر می‌دانم، که یک اثر باید محدوده زمانی و مکانی مشخص داشته باشد و این باید در موضوع بازتاب یابد. البته بهتر است موضوع، اندکی ابهام داشته باشد که آن را «بلاغت موضوع» می‌گویند. موضوع باید با محتوا هم‌پوشی داشته باشد، به‌طوری که در سراسر متن و در یک رابطه دوجانبه در یک‌دیگر انعکاس یابند (دانکن، ۱۹۸۶، ص. ۸۷).

۲. سابقه تحقیق: سابقه تحقیق در واقع هم تداوم حلقه‌های پویش‌های علمی است و هم احترام به فضل تقدم دیگر نویسندگان در یک موضوع خاص به‌همین علت در نقد یک اثر باید مشخص شود؛ زیرا سابقه تحقیق تا چه اندازه ذکر شده است؟ آیا زمینه‌ها برای خواننده ممحض است یا گمراه کننده؟ در این قسمت باید منابع و آثار مرتبط با اثر در یک نگاه تطبیقی و پرسش‌گر به نقد و بررسی کشیده شود و از تکرار و واگویی پرهیز شود؛ تا میزان نوآوری مؤلف آشکار گردد؛ زیرا اصالت یک اثر یا متن در بدیع بودن آن هویدا می‌گردد (Best, 1972, p. 43).

۳. محتوا: محتوا در واقع زیر مجموعه است که مؤلف، تحقیق یا اثر خود را به پرسش‌های کوچک‌تر تقسیم نماید؛ تا بتواند گزاره بزرگ یا پرسش بزرگ (موضوع) را پاسخ گوید، آن را اصطلاحاً «مهندس تحقیق» گویند. ضروری است مشخص شود؛ تا داده‌های تحقیق که باید در یک نظام منطقی و روش‌مند به سامان برسد؛ تا چه حد قابل وثوق و اطمینان است، که در آن صورت از بهترین ابزار موجود برای دستیابی به این مقصود آزمون حس عمومی است.

۴. تاریخ‌نگار باید به بصیرت خود اتکاء و بر اساس حس داخلی خویش تصمیم منطقی گیرد، که آیا پس از مطالعه متن، مواد مورد نظر را واقعاً قابل قبول می‌یابد؟ و یا آن چه خواننده می‌توانسته به‌طور واقعی رخ داده باشد؛ مطرح شده است؟ بنابراین ناقد باید محتوای تحقیق را از دو دیدگاه واریسی و نقد کند. بدین اساس شیوه استدلال مؤلف بر چه نوع استدلالی استوار است؛ یعنی تمثیل است، قیاس است یا استقرا؟ برای سامان دادن به این پرسش‌ها به نظر می‌رسد که طرح پرسش‌های شش‌گانه مانند: «کی؟ کجا؟ چه؟ چرا؟ چه‌گونه؟ و برای چه؟ بهتر می‌تواند ناقد را در نقد محتوا و فهم هسته سخت یاری کند، به‌ویژه پرسش «چرا؟» که مبین چرایی و رابطه علی و معلولی وقایع و پدیده هاست (مایل، ۱۳۸۰، ص. ۳۹-۴۰).

۵. ادبیات نگارش: زبان متن سهم ویژه در نقد متن دارد؛ زیرا واژه‌گان متن ممکن است در طول زمان معانی مختلفی داشته و مدلل زمانه باشند. بنابراین، زبان سهم بارزی در ادراک و شناخت تاریخ ایفا می‌کند. اگر ادبیات را مهم‌ترین تجلی زبان بدانیم، بهتر می‌توانیم اهمیت نگارش را در پردازش اندیشه و مضامین دریابیم. از دو دیدگاه می‌توان به ادبیات نگارش یک متن نظر افکند: یکی به شیوایی و رسایی نثر مؤلف که به قریحه ادبی و تجربه نویسنده مربوط می‌شود و دیگر به اصول و قواعد نگارش، ساختار واژه‌گان، اصطلاحات، پاراگراف‌بندی و لحن نویسنده، که در مورد اخیر به ویژه باید دید که آیا نویسنده برای خواننده احترام قایل است و توانسته اعتماد خواننده را جلب کند یا خیر؟ یک متن در ذات خود باید اعتماد ایجاد کند؛ یعنی خواننده در متن مشارکت داشته باشد. در بررسی ادبیات نگارش شایسته است به شیوه و سبک نگارش، انسجام مطالب، شیوه ارجاع‌دهی، نقل قول و دیگر موارد عنایت خاص شود (شارل ساماران، ۱۳۹۱، ص. ۴۴).

همین‌طور مطالب زیادی موجود است، که از آدرس مؤرخان دیگری سرشناس اسلامی از قبیل: «ابوالفضل بیهقی، ابوریحان بیرونی، ابوعلی مسکویه، رشیدالدین فضل‌الله، محی‌الدین کافجی، شمس‌الدین سخاوی و در رأس آن‌ها ابن‌خلدون، ابن‌بطوطه، المراكشي» و غیره دقت و عنایت ویژه‌یی به این امر (روش نقادانه) داشته‌اند؛ می‌توان تذکر داد. البته مؤرخان و دانش‌مندان مزبور همه از جمله منتقدان عصر خویش بوده و تمام خلاء و کمبودی‌های آثار گذشته را تکمیل و نوشته‌های ناجایز آنان را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. قابل تذکر می‌دانم، که در عصر حاضر منتقدان تاریخ به تعداد انگشت‌شمار بوده و جرئت واقعیت‌گویی را نیز ندارند؛ اما مؤرخان غیر حرفوی و خوش‌خدمت بی‌اندازه زیاد و فعال می‌باشند (دانکن، ۱۹۸۶، ص. ۸۹).

خلاصه این‌که، نقد تاریخی را می‌توان در دو معنای مشخص از قبیل نقد تاریخی در مفهوم فلسفه نظری یا تئوری تاریخ که با سیر تحول و تطور تاریخ در طی زمان شناسایی می‌شود و در قدم دوم نقد تاریخی به منزله اثبات تاریخی از طریق «نقد و بررسی» که با روش علم تاریخ در دایره فلسفه علم می‌گنجد؛ تشکیل می‌دهند (شارل ساماران، ۱۳۸۰، ص. ۴۸).

مصادق نقد تاریخی در آثار مؤرخان اسلامی: کم‌تر کتب تاریخی را سراغ کرد، که مقدمه‌اش از اثر نقدی، ولو اندک در باره کتاب‌های تاریخی یا سبک‌های نگارش مؤرخان خالی باشد. بدین اساس تاریخ‌نگاران مسلمان در فعالیت‌های انتقادی خود به هر دو مؤلفه نقد بیرونی و درونی توجه داشته‌اند و در تدوین کتاب‌های تاریخی خود از اصل این دو شیوه کمابیش استفاده می‌کردند. بنابراین نخستین شاخصه و اصل که در نزد مؤرخان اسلامی پدیدار شد؛ عقل‌گرایی بود. بدین ملحوظ آموزه‌های قرآنی، سیره و احادیث نبوی «صلی الله علیه و آله و سلم» که مسلمانان را به تفکر در امور فرا می‌خواند و بعدها آشنایی مسلمانان با آثار فیلسوفان عقل‌گرای یونان سبب شد که عقل‌گرایی و اندیشه‌ورزی در سرشت اندیشه‌وران تمدن اسلامی نهادینه و تسجل شود. البته بر اساس این شاخصه مسلمانان اخبار و احادیث را صرف نظر از سند هایشان به عقل عرضه می‌کردند و آن‌چه عقل نمی‌پذیرفت به بطلان‌اش حکم می‌کردند، اگر چه با سندهای ارزش‌مندی نزد علمای رجال روایت شده بود. بدین ترتیب بسیاری از تاریخ‌نویسان از اسطوره‌ها و مسایل تاریخی فراوانی که راویان و اخباریان نقل می‌کردند؛ رهایی می‌یافتند. در نتیجه با افزایش تجارب و ظهور تاریخ‌نگاران بزرگ، تعریف موازین دقیق‌تری در نقد تاریخ تحقیق پدیدار گشت که آرام آرام ره به سوی تکامل باز می‌نماید (نورائی، ۱۳۸۷، ص. ۳۱).

اصول منتقدانه متن گزارش موضوعات تاریخی

نخست قابل اذعان و تصریح می‌دانم، که موضوعات تاریخی آن‌قدر بالای هم انباشته شده‌اند، که به‌انبوهی بی‌شمار مانند موهای نمط با هم پیچیده و تنیده شده‌اند؛ بدین اساس هیچ یک از محقق را یارای آن نیست، که از شناسایی آن مؤفق به‌در آید و یا حتی دسته‌بندی نماید؛ زیرا در جهان بشریت بنابر هر لحاظ چه مادی و چه معنوی آن‌قدر فعالیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی و طبیعی روزبه‌روز بسط و توسعه می‌یابند، که به‌جزء از خالق موجودات دیگر هیچ موجودی قادر نمی‌باشد، که حساب‌اش را دریابد. بدین اساس باید عموم مخلوقات عجز و ناتوانی خود را اعلام نمایند. بنابراین با وجود آن‌هم انسان متفکر و کاوش‌گر با اراده‌ای که برای آن از جانب خالق‌اش ارزانی گردیده است؛ تا حدی توانسته، گوشه‌ای از مجهولات را معلوم و تعدادی از سؤالات را جواب ارائه نماید (کوشا، ۱۳۹۰، ص. ۸۸).

بناءً زمانی که محقق لایق و توانا به فلسفه تاریخ و احکام آن متکی شد؛ در آن صورت به حقیقت‌های واقعی تاریخ تا اندازه دست‌رسی پیدا نموده است. بدین ملحوظ تاریخ از دید فلسفی به دو نام ذیل: «تاریخ ۱» (تاریخ روی‌دادی) و تاریخ «۲» به «نام تاریخ گزارشی (نقد و بررسی)» یاد می‌شود؛ اما به یاد داشته باشیم، که تاریخ گزارشی تکمیل کننده تاریخ «۱» (تاریخ روی‌دادی) می‌باشد.

در نتیجه راجع به شرایط گزارش‌نویسی تاریخی و ساختار آن چنین می‌پردازیم:

تعریف گزارش‌نویسی: گزارش‌نویسی یعنی نوشتن اخبار، اطلاعات، روی‌دادها، دلایل منطقی، تجزیه و تحلیل آن‌ها به شکل روشن و کوتاه با رعایت دو اصل مهم ساده‌نویسی و درست‌نویسی را در بر می‌گیرد. البته گزارش باید به گونه تهیه شود که هدف مورد نظر را در کوتاه‌ترین زمان و با ساده‌ترین گفتار بیان کند (دانکن، ۱۹۸۶، ص. ۴۴).

ساختار گزارش‌های تاریخی: چه گونه‌گی تنظیم گزارش در عرصه‌های تاریخی مهم‌ترین عامل در تنظیم آن است. ساختار و بدنه هر گزارش به طور کلی بر سه پایه ذیل: ۱. کلیات تحقیق (چکیده، کلید واژه‌ها، مقدمه)؛ ۲. پیشینه (بدنه اصلی مواد متن و محتوای تحقیق)؛ ۳. یافته‌های تحقیق شامل: یافته‌ها یا نتیجه (تحلیل و مناقشه، نتیجه‌گیری نهایی، پیش‌نهادهای، منابع و ضمایم استوار است (ناظمی، ۱۳۹۴، ص. ۳۳).

ویژه‌گی‌های چکیده و مقدمه گزارش‌های تاریخی: چکیده و مقدمه در ارتباط با موضوع گزارش باید به گونه تهیه شوند که برای مخاطب به مثابه درب دخولی اثر قابل فهم و معنادار باشند.

چکیده و مقدمه قابلیت آن را داشته باشند؛ تا در خواننده نسبت به موضوع علاقه ایجاد گردد.

چکیده و مقدمه باید به خواننده بگوید که از گزارش چه انتظاری داشته باشد.

چکیده: این بخش از هر یک از اثرهای علمی برای یک گزارش علمی، خلاصه کوتاهی از محتویات گزارش است. بهتر است نوشتن این قسمت را به آخر کار یعنی زمانی که می‌دانید نکات

مجله علمی - تحقیقی مؤسسه تحصیلات عالی غور، بخش علوم اجتماعی □ ۱۱۸

کلیدی گزارش تان کدام هستند؛ موکول نمایید. حجم چکیده نه باید از ۳۵۰ کلمه کم باشد. به خاطر داشته باشید که هدف اصلی چکیده در آن است، که باید محتوای آن به خواننده اثر این فرصت را بدهد، تا نگاهی اجمالی به محتویات گزارش بی اندازند (دانکن، ۱۹۸۶، ص. ۵۷).

مقدمه: این بخش اساسی اثر که شامل کلیات تحقیق می گردد؛ نشان می دهد که می خواهید چه بگویید و خلاصه از مشکلی که در باره اش بحث می کنید را مطرح می کند. هم چنین محقق در جریان نگارش آن باید اشاره کوتاهی به نتیجه گیری نیز داشته باشد.

متن یا بدنه اصلی گزارش های تاریخی: شامل آرایه آمار، داده ها (اطلاعات و یا معلومات)، تحلیل و تفسیر مطلب های تاریخی و غیره می باشد (هروی، ۱۳۸۶، ۳۳).

بدنه اصلی گزارش باید به دقت و به گونه ساختار بندی شده باشد، تا خواننده را به خوبی در میان موضوعات ارائه شده، هدایت کند. بنابراین باید بدنه را به بخش های مختلف تقسیم و برای هر بخش، زیربخش هایی مرتبط با موضوع یا قسمت هایی که باید بیش تر به آن پرداخته شود؛ در نظر بگیرید. بنابراین برای هر موضوع باید نکات اصلی و قسمت هایی که مورد اختلاف هستند را به صورت خلاصه و شفاف مورد بحث قرار داد. هم چنین می توانید نتایج تجربی را نیز در این بخش قرار دهید. در نتیجه تمام اطلاعاتی را که ارائه می دهید باید به دستور کار و موضوع اصلی مورد بحث مرتبط باشند.

پایان گزارش: در پایان گزارش یافته های تحقیق یا نتیجه (تحلیل و مناقشه، پیشنهادها، مراجع و ضمائم می آیند) (مور، ۱۳۸۲، ص. ۵۵).

نتیجه گیری نشان می دهد از اطلاعات چه برداشتی می شود. بدین اساس نتایج تجربی نیز در این قسمت جا می گیرند. از جانب دیگر نتیجه گیری و پیشنهادها نیز عین مفهوم را دارا می باشند؛ زیرا پیشنهادها، توصیه های شما برای بهتر شدن موقعیت را نشان می دهند و باید دقیق و قابل اندازه گیری باشند. اگر پیشنهاد های شما به موارد مالی مربوط می شوند، باید آن ها را با هزینه های تخمینی مشخص کنید. بنابراین مراجع تحقیق ما با در نظر داشت مواد مورد نظر معین و مشخص می گردند؛ زیرا مواد تحقیقی از کتاب های معتبر گرفته شده باشند؛ در آن صورت

به نام مآخذ یاد می گردند؛ اگر از مواد دست اول یعنی سرچشمه ها گرفته شده باشد؛ در آن صورت به نام (منبع) و اگر شخص نویسنده از تحلیل و نوشته های بدیعی خویش استفاده می نماید؛ در آن صورت به نام (مرجع) یاد می گردد (دانکن، ۱۹۸۶، ص. ۵۱).

روش های تأکیدی بر نکته های مهم تاریخی: شامل (اندازه و تناسب) می گردد. لذا هر قدر نکته در گزارش تاریخ مهم تر باشد؛ باید فضای بیش تری به آن اختصاص داده شود.

شیوه نگارش زبان تأکیدی: به کار بردن عبارت هایی هم چون: «مهم ترین عامل»، «نکته اساسی و ...» را در بر می گیرد، که با دقت کامل خواننده را به خود جلب می کند.

رعایت ترتیب منطقی در گزارش نویسی تاریخی: در مرحله دوم گزارش نویسی تاریخی، یعنی شکل و صورت گزارش، مطالب باید به ترتیب منطقی سامان داده شوند. بدین اساس در این مرحله باید مسایل زیرین در نظر گرفته شود:

۱. عنوان های اصلی و فرعی مشخص، بنابر اولویت و اهمیت مرتب شوند.

۲. بررسی طرح برای تهیه پیش نویس گزارش انجام شود.

بنابر آن چند اصل در تعیین اولویت ها قرار شرح زیرین می باشند:

- کل باید با جزء برابر باشد.
- پاراگراف ها (بندها) از نظر اندازه تعادل داشته باشند.
- باز کردن یک بخش جانبی به شکل جداگانه، بدون آن که به بخش اصلی مربوط باشد؛ امکان پذیر نیست.

• مطالب کشف شده و به دست آمده، باید از طریق روش های علمی-تحقیقی به دست آمده باشند (مسلمی زاده، ۱۳۸۹، ص. ۵۵).

سبک گزارش های تاریخی: این گونه گزارش های تاریخی باید روشن، دقیق و دارای پیام باشند. البته گزارش گر باید بکوشد با حفظ جنبه رسمی و علمی گزارش، آن را از حالت خشک و بی روح بیرون آورد. هم چنان از به کار بردن واژه ها و اصطلاح های گزافه آمیز هم چون: هرگز، بی- نهایت، بدون ذره شبهه باید گفت و ... خودداری کند.

شایان یادآوری می‌دانم، که در حین گزارش‌نویسی، هدف‌تان باید کاملاً واضح باشد. از همه مهم‌تر این که گزارش باید به گونه نوشته شود که حتی برای شخصی که در زمینه موضوع مورد نظر اطلاعات کافی ندارد هم قابل درک باشد. بنابراین باید از زبان ساده و جملات کوتاه استفاده و از جملات بلند و پیچیده خودداری کنید. همچنین باید از اصطلاحات فنی و تخصصی اجتناب کنید. اگر مجبورید از زبان تخصصی استفاده و تمامی واژه‌هایی را که استفاده می‌کنید؛ توضیح دهید. اگر احساس می‌کنید باید بیش‌تر از پنج کلمه را توضیح دهید، یعنی بیش از حد از اصطلاحات تخصصی استفاده کرده‌اید و باید چند مورد از آن‌ها را حذف و کلمات ساده را جای‌گزین کنید.

چه‌گونه‌گی به کار بردن واژه‌ها: گزارش‌گر نه‌باید برای پُررنگ جلوه دادن گزارش خود یا نشان دادن میزان اطلاعات‌اش درباره موضوع، از واژه‌های سنگین و دشوارفهم بهره بگیرد.

جمله: جمله باید شامل یک مضمون و نکته اصلی باشد. این‌چنین گزارش‌نویس باید توجه داشته باشد که: «هیچ نکته اصلی نباید برای آسان‌فهم کردن جمله از آن حذف شود» (کوشا، ۱۳۹۰، ص. ۹۹).

هم‌چنان هیچ نکته اضافی و غیر ضروری در جمله گنجانده نشود.

به قواعد دستور زبان از نظر جای فعل، فاعل، مفعول و فارسی‌دری سازی (در اندازه متعادل) واژه‌گان، دقت شود.

حروف ربط مانند از، و، که و ... در یک جمله پشت سر هم قرار نگیرند.

به کار بردن حرف ربط «و یا» نادرست است. یا را باید بدون «و» به کاربرد.

از نوشتن جمله‌های بلند خودداری شود.

اگر جمله با «اگرچه، گرچه، با این که، با آن که، باوجود این که، با وجود آن که» آغاز می‌شود، در جمله وابسته بعدی نباید از واژه «اما» استفاده کرد. به‌طور نمونه: «گرچه این موضوع به او گوش‌زد شده بود، توجه به آن نکرد» (نوابخش، ۱۳۸۰، ص. ۴۶).

مجله علمی - تحقیقی مؤسسه تحصیلات عالی غور، بخش علوم اجتماعی □ ۱۲۱

پاراگراف (بند): در گزارش، پاراگراف (بند) به معنای مجموعه جمله‌هایی است که فکر یا مطلب واحدی را بیان می‌کنند.

استفاده از پاراگراف (بند) حاوی امتیاز زیرین می‌باشد:

شکستن یک نواختی متن؛

کمک به درک تقسیم‌بندی موضوع؛

جلب توجه خواننده به تغییر موضوع یا موضوع‌های فرعی؛

نکته: در نگارش باید کوشید همان گونه که در یک جلسه غیر رسمی سخن می‌گوییم؛ بنویسیم یعنی بدین معنا که مطالب با بیش‌ترین میزان دقت، صراحت، روشنی و کوتاهی نگاشته شوند (همان اثر، ۱۳۸۰، ص. ۴۷).

یافته‌های تحقیق یا نتیجه (تحلیل و مناقشه)

یافته‌های تحقیق یا نتیجه

با وثوق کامل و مبرهن می‌توان استدلال کرد، که هر یک از محققان عرصه‌ی تاریخ مکلف‌اند تا؛ برای دریافت کشف حقیقی واقع‌های تاریخی و بعداً تهیه‌ی متن‌های گزارشی آن‌ها دانستن و آگاهی از اصول علمی آن‌هم روش منتقدانه را در اولویت تحقیق خویش قرار دهد؛ زیرا دانستن از اصول تحقیق هر یک از محققان را یاری می‌رساند؛ تا تمام فعالیت‌های تحقیقی خویش را در اسرع وقت و به‌طور منظم و مرتب به‌انجام رساند. البته اصول منتقدانه تحقیق برای کشف واقع‌های تاریخی آن‌هم واقعات که از دیر باز به‌دین‌سو به‌طور مجهول باقی مانده‌اند؛ کمک به‌سزایی می‌نماید.

همین‌طور در بخش طرح سؤالات در صفحه مقدمه مسایلی چون: آیا نقد تاریخی اطمینان‌بخش واقعیت‌ها شده می‌تواند؟ آیا اصولی در باب نقد تاریخی وجود دارد؟ بدین اساس به‌سؤالات مذکور می‌توان چنین جواب ارائه نمود:

در بخش نقد تاریخی اگر دقت نماییم؛ در نتیجه هر گونه واقعۀ تاریخی را از منظر علمی بررسی و واقعیت‌های حقیقی تاریخی را دریافت و علم تاریخ را برای دیگران چنان معرفی می‌نماییم، که همه شایقین علم و معرفت شیفته آن گردند؛ زیرا در اثر نقد می‌توان منابع مؤثق را از نا مؤثق؛ مطالب علمی را از غیر علمی و موضوعات مجهول را معلوم خواهیم نمود. همین‌طور به‌سؤال دومی اگر اندکی درنگ نماییم؛ می‌توان چنین جواب ارائه کرد: بلی در باب نقد تاریخی اصول نقد با جنبه‌های علمی و منطقی وجود دارند، که محقق کارکشته از طریق آن‌ها به‌زودترین فرصت به‌عمق قضیه پی‌برده و واقعیت‌های اصلی را برملا و به‌دست‌رس شایقین علم و معرفت قرار خواهند داد.

بنابراین هر یک از محققان معزز مجهولاتی تاریخی را معلوم و بخشی از مطالبی را که تا به‌حال در شکل مجهول قرار گرفته‌اند و یا از حافظه‌های بشر رخت بسته‌اند؛ بعد از تحقیقات گسترده و همه‌جانبه به‌شکل دقیق و اصولی آن به‌دست‌رس شایقین علم و فن قرار خواهند داد.

بناءاً طبق یافته‌های تحقیق در جریان تحلیل و تجسس مواد مقاله علمی-تحقیقی هذا متوجه شدم، که شناختن و استفاده اصول منتقدانه کشف واقعه‌های تاریخی و تهیه مواد گزارشی آن جهت دریافت واقعیت‌های تاریخی در شکل علمی و منطقی از جانب محققان مجرب امکان-پذیر و از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشند. بدین‌اساس مواد نگارشی این نبشته‌ی علمی برای رفع عطش دانش‌مندان عرصه‌ی تاریخ، در حد توان کمک خواهند نمود.

مناقشه و نتیجه‌گیری نهایی

به‌جا خواهد بود، که در ختم کار تحقیقی به‌آن تعداد مسایلی که در روند کار تحقیقی بعد از تدقیق، تدبر، تعقل، تجسس، تحلیل و مناقشه مقاله هذا متوجه شدم، که تماماً محققان معظم در هر برهه زمانی به‌اصول منتقدانه تحقیقی، مخصوصاً در حصه گزارش‌نویسی متون تاریخی به‌طور کامل و جامع اهمیت قایل می‌گردیدند؛ در آن‌صورت عموم مسایل تاریخی در شکل علمی آن درج صفحات زرین تاریخ گردیده و قسمت اعظم از واقعه‌های تاریخی تا به‌حال از انظار بشریت نه‌تنها پنهان باقی نمی‌ماندند؛ بلکه از وجه مجهولاتی آن‌ها کاسته می‌شد؛ زیرا عمده‌ترین وظایف هر یک از محققان، مؤلفان، مؤرخان و سایر نگارنده‌گان معظم نشر درست واقعه‌های تاریخی را در بر می‌گیرد. بدین‌اساس از منظر ما محققان برجسته و مؤفق، سزاوار تشویق و ترغیب‌اند؛ تا از طریق چشم‌اندازهای علمی برای نقد آثار علمی و غیر علمی همت‌گماشته؛ به‌آن‌ها رنگ‌وبوی علمی بخشند.

سخن اخیر این‌که راجع به‌کار علمی-تحقیقی هذا به‌مثابه محقق در راستای نهادینه شدن کارهای تحقیقی، آشنایی با اصول منتقدانه کشف واقعات تاریخی و شیوه نگارش متون تاریخی در ختم کارهای تحقیقی باید متذکر شد، که ما و دیگران مکلف هستیم؛ تا برای انکشاف و ارتقای دانش و دیدگاه خویش با درنظرداشت جهان‌بینی علمی عمده‌ترین مسایل را تحت نام پیشنهادات برای دیگران بازتاب نماییم.

بنابرآن در این بخش می‌توان مطالب زیرین را هم‌چون پیش‌نهادات سازنده چنین مطرح

نمود:

۱. بدون قید و شرط هر یک از محققان عرصه تاریخ مکلف و مقیداند، که جهت کشف واقعات تاریخی با عمده‌ترین و کارآمدترین روش‌های منتقدانه تاریخی آشنایی کامل و مستمر داشته باشند.
۲. لازم به تذکر است، که هر یک از محققان ساحة تاریخ بعد از آشنایی با منابع دست اول تاریخی، با در نظر داشت اصول نقد، با طرح‌ریزی‌های علمی و منطقی در پی نشر مسایل تاریخی گردیده، هم‌چون زبان گویای مسلک خویش شده بتوانند.
۳. از عموم محققان و مؤرخان دانشور و معظم کشور خواهشمندیم که در جریان تحقیقات خویش به مسایل علمی و کتب معتبر تکیه و راجع به اصالت و اعتبار قضایا از طریق تهیه گزارش متون تاریخی بیش‌تر از پیش همت گمارند.

منابع

- اتسلندر، بتر. (۱۳۸۱). *روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی*. ترجمه بیژن کاظم‌زاده. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- برسler، چارلز. (۱۳۸۶). *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*. ترجمه مصطفی عابدینی فرد، تهران: انتشارات نیلوفر.
- خواجه نوری، عباسقلی. (۱۳۸۴). *روش تحقیق*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دانکن، جمس. (۱۹۸۶). *روش تحقیق و کاربرد آن*. ترجمه حسن وفایی، تهران: انتشارات نی.
- دهقانی، رضا. (۱۳۹۰). *چیستی تاریخ، تحقیق سال سوم، شماره اول*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- شارل ساماران. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در تاریخ*. گروه مترجمان، مشهد: انتشارات بنیاد تحقیق‌های آستان قدس رضوی.
- صلحجو، علی. (۱۳۸۵). *تحقیق، نگارش، راهنمای نوشتن مقاله، رساله و کتاب تحقیقی*. تهران: انتشارات آگاه.
- کوشا، فهیم. (۱۳۹۰). *عالیترین روش‌های تحقیق*. جوزجان-شبرغان: انتشارات جهان کمپیوتر.
- مور، نیک. (۱۳۸۲). *چه‌گونه تحقیق کنیم*. ترجمه فاطمه رهادوست. تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). *تاریخ نسخه پردازي و تصحيح انتقادی نسخه‌های خطی*. تهران: انتشارات کتابخانه موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مسلمی‌زاده، طاهره. (۱۳۸۹). *آیین تحقیق، روش کاربردی تحقیق*. تهران: انتشارات تاسوعا.
- نورائی، مرتضی. (۱۳۸۷). *رهنمایی نگارش در تاریخ*. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاه مشهد.
- ناظمی، عباس. (۱۳۹۴). *تحقیق پیرامون حقایق تاریخی-جزوه درسی*. تهران: انتشارات دانشور.
- نوابخش، مهرداد. (۱۳۸۰). *اصول و مبانی روش تحقیق علمی*. تهران: انتشارات اراک.
- هروی، جواد. (۱۳۸۶). *روش تحقیق و تحقیق علمی در تاریخ*. تهران: انتشارات امیر کبیر.

Best, John W., and Kahn, James V. (1972). *Research in Education*, 5 th ed., New Delhi: Prentice-Hall of India Pvt. Ltd.

